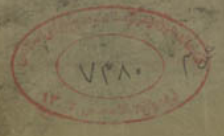


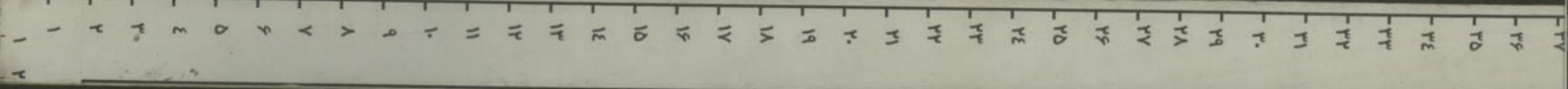
۷۹

فرهاد و شیرین
احمد انجیل سنجی

۸۳۴۳



فرهاد و شیرین
احمد انجیل سنجی
۱۲۴۳
۸۱



Handwritten text in a diamond-shaped grid on two pages of a manuscript. The text is in Persian script, likely a form of Rika script. The pages are decorated with floral borders and a central rectangular frame. The text is arranged in a grid pattern, with each diamond cell containing a line of text. The right page has a larger grid with more text, while the left page has a smaller grid. The text is written in black ink, with some red ink used for headings or emphasis. The overall layout is highly structured and decorative.

0.2327

جمهوری اسلامی ایران

ضمارة ثبت کتاب

△₂△₃△₄

△₂△₃△₄

△₂△₃△₄

Λ ς ε ρ

[illegible]

بی

سازش بفرست	بیا بفرست بدنی
صلواتی کن	صلواتی کن
در کبریا در دوزخ	در کبریا در دوزخ
سوداں بر پیش	سوداں بر پیش
زادش کن	زادش کن
نم از او	نم از او
ارادت کن	ارادت کن
برای زنده	برای زنده

بیا بفرست بدنی
صلواتی کن
در کبریا در دوزخ
سوداں بر پیش
زادش کن
نم از او
ارادت کن
برای زنده

بیا بفرست بدنی
صلواتی کن
در کبریا در دوزخ
سوداں بر پیش
زادش کن
نم از او
ارادت کن
برای زنده

بیا بفرست بدنی	بیا بفرست بدنی
صلواتی کن	صلواتی کن
در کبریا در دوزخ	در کبریا در دوزخ
سوداں بر پیش	سوداں بر پیش
زادش کن	زادش کن
نم از او	نم از او
ارادت کن	ارادت کن
برای زنده	برای زنده

بیا بفرست بدنی
صلواتی کن
در کبریا در دوزخ
سوداں بر پیش
زادش کن
نم از او
ارادت کن
برای زنده

بیا بفرست بدنی
صلواتی کن
در کبریا در دوزخ
سوداں بر پیش
زادش کن
نم از او
ارادت کن
برای زنده

در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت
در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت
در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت
در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت

در خیمه چو بخت

در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت
در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت
در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت
در خیمه چو بخت	خاکستر بیا که بخت
که خدایا که بخت	خاکستر بیا که بخت

عالم عالم عالم	سر اسرار اسرار
مستقل درون اسرار	کرم در درون اسرار
بهار اسرار اسرار	در درون اسرار اسرار
تو از راه اسرار	که در درون اسرار
چو چرخ اسرار	در درون اسرار
که در درون اسرار	در درون اسرار
در درون اسرار	در درون اسرار
در درون اسرار	در درون اسرار

عطار

عالم عالم عالم	سر اسرار اسرار
مستقل درون اسرار	کرم در درون اسرار
بهار اسرار اسرار	در درون اسرار اسرار
تو از راه اسرار	که در درون اسرار
چو چرخ اسرار	در درون اسرار
که در درون اسرار	در درون اسرار
در درون اسرار	در درون اسرار
در درون اسرار	در درون اسرار

کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی
کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی
کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی
کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی

عبد

کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی
کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی
کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی
کند برادرش خوشتر	نجاتش عالی
بهم خورده و در	نجاتش عالی

چو این کیم ز کیم تر	مغفالت عشق را دادند
نغمه کفایت	نغمه کفایت
برادر کیمیا عشق	جام عشق را بر آید
برادر کیمیا عشق	در کمال
بر این کیم عجز از کیم	رباع عشق اگر چه در کمال
از کیم کیمیا عشق	چو عشق را بر آید
عاشق کیمیا عشق	چو عشق را بر آید

کمال عشق

چو این کیم ز کیم تر	مغفالت عشق را دادند
نغمه کفایت	نغمه کفایت
برادر کیمیا عشق	جام عشق را بر آید
برادر کیمیا عشق	در کمال
بر این کیم عجز از کیم	رباع عشق اگر چه در کمال
از کیم کیمیا عشق	چو عشق را بر آید
عاشق کیمیا عشق	چو عشق را بر آید

مستغنی در کمال	مستغنی در کمال
که در کار	که در کار
اگر آخرا زن در مرگ	اگر آخرا زن در مرگ
که در کار	که در کار
پایه بایستد در کمال	پایه بایستد در کمال
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار

نکته

مستغنی در کمال	مستغنی در کمال
که در کار	که در کار
اگر آخرا زن در مرگ	اگر آخرا زن در مرگ
که در کار	که در کار
پایه بایستد در کمال	پایه بایستد در کمال
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار
که در کار	که در کار

روز خدیو عیسی کسان	نعمت دل خدیو عیسی
بدان شکر و قنات کاسم غایت جهان	بزم از سبزه ای که از شکر و قنات
سرع کار از دست عیار	از افروختن جگر از شکر و قنات
معدن سیم	را از شکر و قنات
دین خرم از کرم	بزم از سبزه ای که از شکر و قنات
خبر از طبعش	بزم از سبزه ای که از شکر و قنات

میان هر

میان هر که خرم از کرم	نعمت دل خدیو عیسی
بدان شکر و قنات کاسم غایت جهان	بزم از سبزه ای که از شکر و قنات
سرع کار از دست عیار	از افروختن جگر از شکر و قنات
معدن سیم	را از شکر و قنات
دین خرم از کرم	بزم از سبزه ای که از شکر و قنات
خبر از طبعش	بزم از سبزه ای که از شکر و قنات



سر کرده در کمران	بوی زود در کمران
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج

سر کرده در کمران	بوی زود در کمران
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج
کلیش خورشید در راج	کلیش خورشید در راج

سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من

سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من
سوی من و من	سوی من و من

دو نادر جان کرم	دو نادر جان کرم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم

دو نادر جان کرم	دو نادر جان کرم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم
چون بگریم چو بگریم	چون بگریم چو بگریم

پایه از غافل مسکون دارد	و جان با بخت عین پور دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون

پایه از غافل مسکون دارد

پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون
پایه از غافل مسکون دارد	پایه از غافل مسکون دارد
خسب خرد	میسکون

پایان بند را در هیچ	در یاد ز یاد جا برد
شدن که بود را در این	که این جان را در این
نیم به نیم بر سرش گذر	که این جان را در این
فرموده اند که این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این

پایان بند را در هیچ	در یاد ز یاد جا برد
شدن که بود را در این	که این جان را در این
نیم به نیم بر سرش گذر	که این جان را در این
فرموده اند که این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این
که این جان را در این	که این جان را در این

که این

۱۳۷
ص



۱۳۸
ص



بعد از این که
سپید چنان شد
قرار شد در این
جای از جاده
خداوند
سپید
سپید
سپید

سپید را در این
جای از جاده
خداوند
سپید
سپید
سپید
سپید
سپید
سپید
سپید

چوین دل شد سرکش	نیم جاسکیت زوردار
ش	نی
که زینش سرکش	بهر زینا صورت دل
مسکین	بهر زینا صورت دل
که صبا را کباب	بهر زینا صورت دل
پادشاه خرد و خرم	بهر زینا صورت دل
ش	بهر زینا صورت دل
چوین عراجه لاد	بهر زینا صورت دل
ش	بهر زینا صورت دل
فروغش میداد	بهر زینا صورت دل

نیم جاسکیت

چوین دل شد سرکش	نیم جاسکیت زوردار
ش	نی
که زینش سرکش	بهر زینا صورت دل
مسکین	بهر زینا صورت دل
که صبا را کباب	بهر زینا صورت دل
پادشاه خرد و خرم	بهر زینا صورت دل
ش	بهر زینا صورت دل
چوین عراجه لاد	بهر زینا صورت دل
ش	بهر زینا صورت دل
فروغش میداد	بهر زینا صورت دل

صفت زلف و سر و دهان	صفت رخسار و چهره
صفت چشم و ابرو	صفت لب و دندان
صفت گوش و سینه	صفت دست و پا
صفت تن و اندام	صفت خلق و خوی
صفت علم و ادب	صفت شرف و منزلت
صفت کرامت و جلال	صفت کبریا و عظمت
صفت قدرت و مهابت	صفت جلال و شرف
صفت کرم و سخاوت	صفت بزرگواری
صفت شجاعت و دلیری	صفت شرف و کرامت
صفت علم و فضل	صفت کرم و سخاوت
صفت شرف و کرامت	صفت کرم و سخاوت

ل

صفت زلف و سر و دهان	صفت رخسار و چهره
صفت چشم و ابرو	صفت لب و دندان
صفت گوش و سینه	صفت دست و پا
صفت تن و اندام	صفت خلق و خوی
صفت علم و ادب	صفت شرف و منزلت
صفت کرامت و جلال	صفت کبریا و عظمت
صفت قدرت و مهابت	صفت جلال و شرف
صفت کرم و سخاوت	صفت بزرگواری
صفت شجاعت و دلیری	صفت شرف و کرامت
صفت علم و فضل	صفت کرم و سخاوت
صفت شرف و کرامت	صفت کرم و سخاوت

کار و شایسته	کار و شایسته
در احوال و خاری	در احوال و خاری
ارواح و کلمات	ارواح و کلمات
نظم و شعر و نثر	نظم و شعر و نثر
پند و اندرز و نصیحت	پند و اندرز و نصیحت
تجرب و کلام و کلام	تجرب و کلام و کلام
چهار و پنج و شش	چهار و پنج و شش
هفت و هشت و نه	هفت و هشت و نه
ده و یازده و بیست	ده و یازده و بیست
سی و چهل و پنجاه	سی و چهل و پنجاه
شصت و هفتاد و هشتاد	شصت و هفتاد و هشتاد
نود و صد و صد و یک	نود و صد و صد و یک

در احوال

کار و شایسته	کار و شایسته
در احوال و خاری	در احوال و خاری
ارواح و کلمات	ارواح و کلمات
نظم و شعر و نثر	نظم و شعر و نثر
پند و اندرز و نصیحت	پند و اندرز و نصیحت
تجرب و کلام و کلام	تجرب و کلام و کلام
چهار و پنج و شش	چهار و پنج و شش
هفت و هشت و نه	هفت و هشت و نه
ده و یازده و بیست	ده و یازده و بیست
سی و چهل و پنجاه	سی و چهل و پنجاه
شصت و هفتاد و هشتاد	شصت و هفتاد و هشتاد
نود و صد و صد و یک	نود و صد و صد و یک

تو که سالخورده این جهان	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را

تو که سالخورده این جهان	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را
مهر در جبهه این	مهر در جبهه این
مصلحت خود را	مصلحت خود را

[illegible]

۱۲۱

[illegible]

عوبند مغس را کف زلف	در این صحر که در کوه در آید
که گشتان کوه	که گشتان کوه
بر این کاف کسید پیر	که گشتان کوه
نزد کی که گشتان	که گشتان کوه
در این کاف کسید پیر	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه

نکته

عوبند مغس را کف زلف	در این صحر که در کوه در آید
که گشتان کوه	که گشتان کوه
بر این کاف کسید پیر	که گشتان کوه
نزد کی که گشتان	که گشتان کوه
در این کاف کسید پیر	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه
که گشتان کوه	که گشتان کوه

چو کینه خا ابرو را بچو	دیکر ز تویم غمخیز
کجای بخت او در دهر	کند ز او خاسته زرد
کجای بخت او در دهر	بختش ز دلش کزین
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر

۹۰

چو کینه خا ابرو را بچو	دیکر ز تویم غمخیز
کجای بخت او در دهر	کند ز او خاسته زرد
کجای بخت او در دهر	بختش ز دلش کزین
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر
کجای بخت او در دهر	کجای بخت او در دهر

توربا با درون و ناله گنجی	توربا با درون و ناله گنجی
ز شمع سبزه	ز شمع سبزه
چو در دریا	چو در دریا
آرا صفا جی که کار و چو چای	آرا صفا جی که کار و چو چای
چو در دریا	چو در دریا
چو در دریا	چو در دریا
چو در دریا	چو در دریا
چو در دریا	چو در دریا

توربا با درون و ناله گنجی	توربا با درون و ناله گنجی
ز شمع سبزه	ز شمع سبزه
چو در دریا	چو در دریا
آرا صفا جی که کار و چو چای	آرا صفا جی که کار و چو چای
چو در دریا	چو در دریا
چو در دریا	چو در دریا
چو در دریا	چو در دریا
چو در دریا	چو در دریا

۷۹

۱۳۴۳

فرهاد شیرین

دعوتی باقی

شماره ۱۳۴۱

احمد بن عبدالمسیح

کرار ۱۳۴۲



۷۸۴

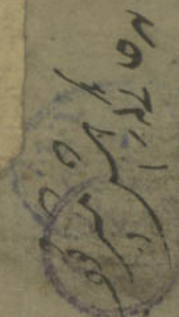
۷۹

۸۳۴۳

سهرین فرهاد



۲۸۴



۷۳۱۱